

تصویرسازی کارگزاران اجتماعی در اشعار سیاسی ملک‌الشعرا بهار از منظر گفتمان‌شناسی انتقادی

جلال رحیمیان* سمیه جوکار**

دانشگاه شیراز

چکیده

تحلیل انتقادی گفتمان به عنوان رویکردی نوین در تحلیل متن و گفتمان، بر این اصل استوار است که هیچ گفتمانی خالی از ایدئولوژی نیست و تلاش می‌کند که روابط پنهان قدرت، نابرابری اجتماعی و سوءاستفاده از قدرت را در گفتمان‌ها برملا کند. تحلیل‌گران انتقادی بیشتر بر اساس طبقه‌بندی‌های زبان‌شناختی به تحلیل گفتمان می‌پردازند؛ در حالی که ون لیوون از مؤلفه‌های جامعه‌شناختی-معنایی بهره می‌برد. نگارندگان بر آنند که اشعار سیاسی بهار را بر اساس رویکرد ون لیوون بررسی کنند تا مشخص شود که بهار در دوران پرتنش مشروطه، چگونه کارگزاران اجتماعی و عواملان عمل را به تصویر می‌کشد؛ آیا از آن‌ها با صراحت نام می‌برد یا ترجیح می‌دهد پوشیده سخن بگوید. به منظور نیل به هدف تحقیق، نخست ابیات گفتمان‌مدار با بن‌مایه‌ی سیاسی انتخاب شد؛ سپس مؤلفه‌های جامعه‌شناختی-معنایی در هر بیت مشخص گردید؛ و با محاسبات آماری و طبقه‌بندی مؤلفه‌ها، میزان ارجاعات پوشیده و صریح تعیین شد؛ در نهایت و پس از تحلیل کمی و کیفی، نتایج زیر حاصل شد: نخست آنکه بهار برای بازنمایی فعالان سیاسی و صاحبان قدرت، از صریح‌ترین مؤلفه‌ها از جمله نام‌بری و فردی‌سازی استفاده کرده است؛ دیگر مؤلفه‌های پرکاربرد عبارتند از ارزش‌گذاری، اشتراکی‌سازی و فعال‌نمایی. بهار دیدگاه خود را درباره‌ی کارگزاران اجتماعی، با به کارگیری مؤلفه‌ی ارزش‌گذاری بیان کرده است؛ در اشعار وی بسامد مؤلفه‌های پوشیده بسیار اندک است که این خود شاهدی است بر صراحت بهار در بازنمایی کارگزاران اجتماعی.

واژه‌های کلیدی: تحلیل انتقادی گفتمان، مؤلفه‌های جامعه‌شناختی - معنایی، مؤلفه‌های پوشیده و صریح، اشعار سیاسی بهار.

* استاد زبان‌شناسی مقابله‌ای jrahimian@rose.shirazu.ac.ir

** کارشناس ارشد زبان‌شناسی همگانی sn.jowkar@yahoo.com (نویسنده‌ی مسئول)

۱. مقدمه

تحلیل گفتمان انتقادی که خود ریشه در حرکتی با عنوان «زبان‌شناسی انتقادی» دارد، روشی بین رشته‌ای است که کارکرد زبان را در عرصه‌های سیاست و جامعه بررسی می‌کند. این رویکرد، زبان را به عنوان مفهومی «ختشی» و «شفاف» در نظر نمی‌گیرد، بلکه بر کارکردهای اجتماعی و ایدئولوژیکی زبان در تولید یا تغییر ساختارها و روابط اجتماعی تأکید می‌کند. (سیمپسون و مایر،^۱ ۲۰۱۰) در حقیقت، تحلیل گفتمان انتقادی به ارتباط بین گفتمان، قدرت، ایدئولوژی و اجتماع می‌پردازد. این روش زبان را به عنوان یک فعالیت اجتماعی در نظر می‌گیرد. تحلیل گفتمان انتقادی علاقه‌ای خاص به ارتباط میان زبان و قدرت دارد و قصد دارد رابطه‌ی بین سلطه، تبعیض، قدرت و حکومت را آن چنان تحلیل کند که در زبان نمود پیدا می‌کند. (ووداک و مییر،^۲ ۲۰۰۱: ۵) ترد گلد^۳ (۱۹۸۹) معتقد است که متون هیچ‌گاه بی‌غرض و خالی از ایدئولوژی نیست و نمی‌شود آن‌ها را از حقایق اجتماعی جدا کرد. (پالتریج،^۴ ۲۰۰۶: ۴۵)

در حقیقت تحلیل گفتمان انتقادی، درصدد کشف رابطه‌ی کاربرد زبان و بافت اجتماعی و سیاسی است که در آن بافت، زبان استفاده می‌شود؛ بنابراین تحلیل گفتمان انتقادی به بررسی گفتمان نوشتاری و یا گفتاری، تأثیرات جامعه بر گفتمان، ایدئولوژی، روابط قدرت و چگونگی تولید و بازتولید آن در زبان می‌پردازد.

هرچند تحلیل انتقادی گفتمان، بر متون و گفتمان‌های سیاسی و اجتماعی تکیه دارد، ادبیات و آثار هنری و ادبی نیز می‌تواند در خدمت ارتباط و انتشار عقاید و افکار باشد؛ از این رو متون ادبی را نیز می‌توان با رویکردی انتقادی تحلیل و تفسیر کرد؛ زیرا متونی همچون روزنامه‌ها، مقالات، کتاب‌ها، اشعار و رمان‌ها به عنوان ره آورد اندیشه و احساس دانشوران و صاحبان ذوق، دریچه‌ای است به سوی حوادث و وقایع موجود جامعه و ابزاری برای نشر افکار و عقاید.

ایران عصر مشروطه، روزگار پرحادثه و خبرخیزی بود که قلم نویسندگان و شاعران آزادی خواه در جهت آگاه کردن مردم و جهت دادن به جنبش‌های انقلابی و نیز ثبت و ضبط این حوادث و رخدادها نقش آفرین گشت. ملک‌الشعرا بهار به عنوان

^۱ Simpson and Mayer

^۲ Wodak and meyer

^۳ Gold

^۴ paltridge

انسانی آزادی خواه، شاعری زبردست و سیاستمداری دلسوز، از این قاعده مستثنی نبود. وی در اشعارش همزمان با بیان حوادث و رخداد‌های مشروطه، با ظلم و بی‌عدالتی پادشاهان قاجار و از پی آن پادشاهان پهلوی به مبارزه برخاست و مردم را به یاری مشروطه، و ستم‌ستیزی فراخواند.

بنابراین جا دارد که اشعار سیاسی وی که به حق آینه‌ی تاریخ این دوره است، برای بازیابی و مشخص شدن عاملین عمل و کارگزاران اجتماعی، روابط قدرت و ایدئولوژی حاکم بر اشعار، از منظر گفتمان‌شناسی انتقادی مورد بررسی و تحلیل شود.

برای بررسی و تحلیل متون در چارچوب تحلیل گفتمان، انتقادی رویکردهای مختلفی به کار گرفته می‌شود؛ از جمله ون دایک^۱ (۱۹۸۸)، فرکلایف^۲ (۱۹۹۵)، کرس^۳ (۱۹۸۵) و ون لیوون^۴ (۲۰۰۸). در این مقاله برای تحلیل ابیات، رویکرد ون لیوون (۲۰۰۸) به کار رفته است. در گفتمان‌شناسی انتقادی، ساختارها و مؤلفه‌های گفتمان مدار بر دو نوعند: زبان‌شناختی (linguistic) و یا جامعه‌شناختی-معنایی (sociosemantic). اکثر تحلیل‌گران گفتمان انتقادی، گفتمان را از بعد زبان‌شناختی بررسی کنند در حالی که ون لیوون در تحلیل خود از مؤلفه‌های جامعه‌شناختی-معنایی استفاده می‌کند. وی معتقد است که مقولات زبان‌شناختی در اکثر موارد با مقولات جامعه‌شناختی منطبق نیست. به عقیده‌ی ون لیوون، مشخص کردن عامل یک عمل (کنشگر) و پذیرنده‌ی آن (کنش‌پذیر) در یک گفتمان بسیار مهم است؛ چرا که باعث درک بهتر متن می‌شود؛ به طور مثال در جمله‌ی «معترضان پس از دستگیری مورد شکنجه قرار گرفتند»، «معترضان» در جایگاه نحوی عامل و فاعل قرار گرفته است؛ اما در حقیقت کنش‌پذیر است. (ون لیوون، ۲۰۰۸: ۲۳) همان‌طور که ذکر شد، ون لیوون در رویکرد خود از مؤلفه‌های جامعه‌شناختی-معنایی سخن به میان آورده است که در قسمت‌های بعد به معرفی آن‌ها خواهیم پرداخت.

۱.۱. هدف و سوالات تحقیق

تحلیل گفتمان انتقادی بر این باور است که هر متنی یک بار ایدئولوژیکی دارد و

¹ Van Dijk

² fairclough

³ kress

⁴ Van leeuwen

چگونگی کاربرد زبان می‌تواند این عقاید و ایدئولوژی‌ها را در جامعه بازتولید و منتشر کند. (پالتریج، ۲۰۰۶: ۴۵) این رویکرد زمینه‌ای فراهم می‌کند که پژوهش‌گر روابط پنهان قدرت، فرایندهای ایدئولوژیکی و جایگاه اربابان قدرت را در زوایای متن بازشناسد. نگارنده بر آن است که اشعار سیاسی بهار را که خود از سیاستمداران عصر مشروطه است، بر اساس الگوی ون لیوون تحلیل و بررسی نماید تا ۱. جایگاه کارگزاران اجتماعی، صاحبان قدرت و گروه‌های صاحب نفوذ و چگونگی بازنمایی آن‌ها و ۲. نگرش شاعر درباره‌ی این امور مشخص گردد.

برای نیل به این اهداف، سؤالاتی مطرح شده است که عبارتند از: ۱. با توجه به اوضاع سیاسی وقت، بهار چگونه از کارگزاران اجتماعی یاد می‌کند؟ آیا با صراحت از آنان نام می‌برد یا ترجیح می‌دهد که پوشیده سخن بگوید؟ ۲. بهار به چه میزان از مؤلفه‌های جامعه‌شناختی - معنایی در اشعارش بهره برده است؟ ۳. گرایش بهار نسبت به استفاده از کدام مؤلفه‌ها بیشتر بوده است؟

۲. پیشینه‌ی تحقیق

تاکنون تحقیقات متعددی از سوی پژوهش‌گران با بهره‌گیری از رویکرد ون لیوون و مؤلفه‌های جامعه‌شناختی - معنایی انجام شده است که به طور اجمال به ذکر چند نمونه می‌پردازیم. حیدری تبریزی و رزمجو (۱۳۸۴) با عنایت به مؤلفه‌های جامعه‌شناختی - معنایی، مقاله‌ای از روزنامه‌ی ایران را بررسی و تحلیل کرده‌اند. یارمحمدی (۱۳۸۵) با به کارگیری مؤلفه‌های گفتمان‌مدار (نام‌دهی، اسم‌سازی، فرایند مجهول در برابر معلوم)، به بررسی تعداد معینی از سرمقاله‌های روزنامه‌های ایران پرداخته است. در تحقیق دیگری، فلاحی (۱۳۸۸) با بهره‌گیری از مؤلفه‌های گفتمان‌مدار جامعه‌شناختی - معنایی به بررسی شیوه‌های بازنمایی کارگزاران اجتماعی در ۸ نشریه‌ی سال‌های آغازین دوره‌ی مشروطه پرداخته است؛ صاحبی و دیگران (۱۳۸۹) ضمن معرفی الگوی مذکور، به بررسی و نقد روایی قطعه‌ای از گلستان سعدی پرداخته‌اند. یارمحمدی و دیگران (۱۳۸۹) نیز در چارچوب الگوی ون لیوون، گفتمان داستان‌های کوتاه معاصر بزرگسالان و داستان‌های کوتاه معاصر نوجوانان را مقایسه و تحلیل کرده‌اند. در تحقیق مشابهی، حق‌پرست (۱۳۹۰) با بررسی مؤلفه‌های جامعه‌شناختی - معنایی در برش‌های داستانی از شاهنامه و بهمن‌نامه، تلاش کرده است که شباهت‌ها و تفاوت‌های تصویرسازی

کارگزاران اجتماعی در دو روایت متفاوت از ماجرای کین خواهی بهمن را مشخص کند. رستگار (۱۳۹۰) این الگو را برای تحلیل و بررسی چگونگی بازنمایی شخصیت زن در رمان چراغها را من خاموش می‌کنم برگزیده است. آتنا پوشه (۱۳۹۲) نیز رویکرد و ن لیوون را برای تحلیل کتاب میان دیروز و فردا انتخاب کرده است. افزون بر مقالات یادشده، تحقیقاتی نیز روی اشعار بهار انجام شده است از جمله: فرهادی (۱۳۷۹) با توجه به قرابت و شباهت‌های فراوان در شعر و اندیشه‌ی محمدتقی بهار و احمد شوقی، به بررسی تطبیقی وطنیات این دو پرداخته است. در تحقیق دیگری، محسنی (۱۳۸۹) به بازتاب زیبایی‌شناختی و جامعه‌شناختی آیات و احادیث در شعر بهار پرداخته است. بدیهی است که در هیچ یک از تحقیقات ذکر شده، اشعار بهار برای نشان دادن چگونگی بازنمایی کارگزاران اجتماعی و همچنین ایدئولوژی آزادی خواهی و ستم‌ستیزی وی بررسی نشده است؛ بنابراین جا دارد تا اشعار وی طبق الگوی جامعه‌شناختی - معنایی و ن لیوون تحلیل شود.

۳. روش تحقیق

برای رسیدن به اهداف تحقیق و پاسخگویی به سؤالات، از دو روش کیفی و کمی استفاده شده است. در قسمت کیفی، ابتدا دیوان اشعار بهار به دقت بررسی شد و بر اساس زمان سرودن اشعار و مراجعه به حوادث تاریخی آن زمان و موضوع و عنوان آنها، ابیاتی که بن مایه‌ی سیاسی داشت انتخاب شد؛ سپس ابیات مزبور بر اساس الگوی و ن لیوون به منظور یافتن مؤلفه‌های جامعه‌شناختی - معنایی واکاوی و تحلیل گردید. در گام بعدی و با استفاده از روش‌های آماری، بسامد رخ داد هر یک از مؤلفه‌ها و درصد آنها محاسبه شد. ذکر این نکته ضروری است که از میان مؤلفه‌های جامعه‌شناختی - معنایی، برخی «صریح و روشن» (explicit) است، بدین معنا که کارگزار اجتماعی را به صراحت و روشنی به تصویر می‌کشد و برخی دیگر «پوشیده» (implicit) که در این حالت، هویت کارگزار اجتماعی مشخص نمی‌شود. برای نشان دادن درصد به کارگیری مؤلفه‌های پوشیده و صریح، از فرمول زیر بهره جستیم:

$$\frac{۱۰۰ \times \text{مجموع ارجاعات پوشیده/صریح}}{\text{کل ارجاعات (پوشیده و صریح)}} = \text{میزان ارجاعات پوشیده/صریح}$$

سرانجام بر اساس فراوانی و درصد کاربرد هریک از مؤلفه‌ها و میزان ارجاعات پوشیده و صریح، چگونگی بازنمایی کارگزاران اجتماعی در اشعار سیاسی بهار مشخص گردید.

۳. ۱. مؤلفه‌های جامعه‌شناختی - معنایی

همه‌ی کارگزاران اجتماعی، به دلایل مختلف گفتمانی، در متن ذکر نمی‌شود. کارگزاران اجتماعی با توجه به هدف و نیت تولیدکنندگان گفتمان (گوینده یا نویسنده)، می‌تواند در متنی ذکر و یا از آن متن حذف شود؛ بنابراین بازنمایی کارگزاران اجتماعی به دو صورت کلی انجام می‌شود: حذف یا ذکر.

۳. ۱. ۱. حذف (Exclusion)

در جاهایی «حذف» کارگزار اجتماعی بدون قصد و نیتی انجام می‌شود و فرض بر این است که خواننده یا شنونده قادر به تشخیص کارگزار اجتماعی می‌باشد؛ اما حذف کارگزار می‌تواند عامدانه هم باشد. حذف می‌تواند به دو شکل صورت پذیرد: «کتمان» (Suppression) و یا «پس زمینه‌سازی» (Backgrounding). در کتمان، حذف به گونه‌ای انجام می‌شود که هیچ اثری از کارگزار اجتماعی بر جا نماند و بالطبع در این حالت، کارگزار را نمی‌توان بازیابی و شناسایی کرد. در پس زمینه‌سازی، یا کارگزار اجتماعی در جایی دیگر از متن ذکر شده یا ردپای اعمال و رفتار او باقی مانده است؛ در این صورت بازشناسی کارگزار اجتماعی ممکن خواهد بود. (ون لیوون، ۲۰۰۸)

کتمان

کشور ایران ز انبوه فتن در خطر است ای وطن خواهان زنهار وطن در خطر است (همان: ۱۹۸)

در بیت بالا، فتنه‌گران به عنوان عامل عمل مشخص نشده‌اند.
در اروپا پخته‌اند او را و او سخت از این پخت و پزها گشته مست (همان: ۲۱۸)

چه کسی (کسانی) افکار و عقاید ناصرالملک را تحت تأثیر قرار داده‌اند؟
فتنه‌ها آشکار می‌بینم / دست‌ها توی کار می‌بینم / بهر تسخیر خشک مغزی چند / نطق‌ها
آبدار می‌بینم / جای احرار در تک زندان / یا به بالای دار می‌بینم (همان: ۵۴۴)

در ابیات یاد شده، فتنه‌گران و افرادی که عامل کشتار آزادی‌خواهان هستند، آشکار نشده‌اند.

پس زمینه‌سازی

تا نخروشد این گروه بباید آنچه پسندد به خود، پسندد به ایشان

(همان: ۲۱)

در بیت بالا، مرجع «این گروه» و «ایشان» مردم قوچان است و مرجع «خود» حاکم قوچان. این کارگزاران اجتماعی در ابیات پیشین بیان شده‌اند؛ پس در این بیت از پس زمینه‌سازی استفاده شده است.

جمع کندشان ز مردمی به بر خویش کاینان را حال بوده سخت پریشان

(همان)

حاکم قوچان و مردم در این بیت پس زمینه‌سازی شده‌اند.

۳. ۱. ۲. ذکر (Inclusion)

کارگزاران اجتماعی و عاملین عمل را می‌توان به روشنی و صراحت در گفتمان ذکر کرد. ذکر کارگزار اجتماعی به شیوه‌های متعددی انجام می‌شود که در ادامه به آن‌ها اشاره خواهد شد.

۳. ۱. ۲. ۱. تعیین نقش (Role Allocation)

همان‌طور که پیش‌تر ذکر شد، در نظرون لیوون، در اکثر مواقع بین کارگزاران زبان‌شناختی و کارگزاران جامعه‌شناختی رابطه مستقیم وجود ندارد و به همین دلیل است که وی در تحلیل گفتمان، به جای شاخص‌های زبان‌شناختی از شاخص‌های جامعه‌شناختی - معنایی استفاده می‌کند. یکی از راه‌های بازنمایی کارگزاران اجتماعی، مشخص کردن نقش آن‌هاست. در تعیین نقش باید مشخص شود که چه کسی عامل عمل است (agent) و چه کسی پذیرنده‌ی عمل (patient). کارگزار می‌تواند یا نقش فعال بپذیرد یا نقش منفعل. در «فعال‌سازی» (Activation) کارگزار اجتماعی همان نیروی فعال و پویا و در حقیقت عامل عمل (کنش‌گر) است. در «منفعل‌سازی» (Passivation) کارگزار اجتماعی به گونه‌ای تصویرسازی می‌شود که گویی پذیرنده‌ی عمل است و به آن تن می‌دهد.

در منفعل‌سازی ممکن است کارگزار اجتماعی به طور مستقیم موضوع یا هدف عمل قرار گیرد؛ یعنی به نوعی مفعول واقع شود که در این صورت «موضوع‌سازی»

(Subjected) شده است. در جاهایی، کارگزار اجتماعی به طور غیرمستقیم دریافت‌کننده‌ی نتیجه‌ی عمل می‌شود و از سود یا زیان عمل متأثر می‌گردد. این حالت را «ذی‌نفع‌سازی» (Beneficialized) گویند.

فعال‌سازی

دولت روس از شمال رایت کین بفراشت به محو دین مبین به خیره همت گماشت
به خاک ایران نخست تخم عداوت بکاشت به غصب ایران سپس پیش کند یادداشت
(همان: ۲۵۸)

در این ابیات، دولت روسیه با عنوان عامل حمله‌ی نظامی به ایران در سال ۱۲۹۰ ش. معرفی شده است.

یک جماعت را قزاق فشرده است گلو یک جماعت را سرباز شکسته است کمر
(همان: ۲۲۴)

سالدات‌های روس در سال ۱۲۹۰ ش. به حرم مطهر امام رضا (ع) حمله کردند و جمعی از زوار را کشتند. در این بیت عاملین عمل آشکارا بیان شده‌اند. چون که ننهادید بر قانون و بر خویش احترام مستبدین از شما یک یک کشیدند انتقام
(همان: ۴۳۰)

موضوع‌سازی

هشتصد مرد و زن از بومی و زوار و غریب داده جان از یورش لشکر روس کافر
(همان: ۲۲۴)

لشکر روس عامل حمله به حرم امام رضا (ع)، ویرانی آنجا و کشته شدن مردم است. مردم و زوار به طور مستقیم هدف عمل قرار گرفته‌اند و «موضوع‌سازی» شده‌اند. کشته‌ی وجه شبه گشتی و این بی بصران بدل من رخت از جمله‌ی اشباه زدند
(همان: ۴۰۲)

این بیت اشاره دارد به کشته شدن واعظ قزوینی در سال ۱۳۰۳ به دستور رئیس شهربانی وقت. عمال شهربانی عاملین عمل هستند و واعظ قزوینی پذیرنده‌ی عمل.

ذی‌نفع‌سازی

نصف مردم را جاسوس و مفتش کردند از زن و مرد فکندند به جان احرار
(همان: ۴۷۲)

در این بیت، عمال رضاشاه به عنوان عامل تبدیل کردن مردم به جاسوس معرفی شده‌اند و «نصف مردم» به طور مستقیم هدف این عمل قرار گرفته‌اند؛ یعنی جاسوس شده‌اند. «احرار» به طور غیرمستقیم از نتیجه‌ی این عمل که همان تبدیل مردم به جاسوس است، متأثر شده‌اند.

۳. ۱. ۲. تعیین نوع اشاره (Reference Allocation)

نوع دیگر «ذکر»، «تعیین نوع اشاره» است. در این بخش، کارگزار اجتماعی می‌تواند به صورت انسان یا غیرانسان تصویرسازی شود. در «انسان‌نمایی» (Personalization) کلمات باید دارای خصیصه‌ی معنایی «+ انسان» باشند؛ در حالی که در «غیرانسان‌نمایی» (Impersonalization) کلماتی که برای بازنمایی کارگزار اجتماعی استفاده می‌شود، باید فاقد خصیصه معنایی «+انسان» باشد.

غیر انسان‌نمایی (Impersonalization)

«غیرانسان‌نمایی» خود به دو دسته‌ی کلی تقسیم می‌شود: اول «انتزاعی‌سازی» (Abstraction) که در این حالت، کارگزار اجتماعی به وسیله‌ی صفت، ویژگی یا خصوصیتی بازنمایی می‌شود که در ذهن تصویرساز است. برای مثال، مهاجران سیاه و بی تجربه که به صورت غیرقانونی وارد استرالیا شده‌اند، با صفت «معضل» بازنمایی می‌شوند. (ون لیوون، ۲۰۰۸)

وانگه یکی فرشته برانگیخت تا به قهر خاتم برون کشد ز کف دیو بدسگال

(همان: ۴۶)

مراد از «فرشته» میرزا علی اصغر خان اتابک اعظم است و از «دیو بدسگال» عین الدوله صدراعظم مظفرالدین شاه.

آن زچنگ این رباید طعمه‌این از چنگ آن هریک آلوده به خون این گله چنگ ودهان

(همان: ۵۶)

منظور از «طعمه» و «گله» ملت و کشور ایران است.

خبر آمد به مهادیو که شد کشته بهار زین خبر دیوچگان خنده به قهقهه زدند

(همان: ۴۰۰)

شاعر با استفاده از لفظ «مهادیو» به «درگاهی»، رئیس شهربانی به سال ۱۳۰۳، اشاره می‌کند و کلمه‌ی «دیوچگان» عمال شهربانی را توصیف می‌کند که قصد ترور بهار را داشتند.

نوع دیگر «غیرانسان‌نمایی»، «عینی‌سازی» (Objectivation) است. در این حالت، کارگزار اجتماعی از راه مکانی که در آن است یا سخنی که می‌گوید یا به کمک شیئی که با او و عملش عجین است، تصویرسازی می‌شود. «عینی‌سازی» خود به چهار دسته تقسیم می‌شود:

الف) مکان‌نمایی (Spatialization)

در «مکان‌نمایی»، کارگزار با اشاره به مکانی تصویرسازی می‌شود که با وی و عملش در ارتباط است.

عامل این دغلی‌ها نه همین نظمیه است وکلا و وزرا نیز نمایند این کار

(همان: ۴۷۲)

در این بیت، مأموران نظمیه با اشاره به محل کارشان، اداره‌ی نظمیه، تصویرسازی شده‌اند.

انجمن معدلت ز کار معطل قومی در وی نشسته بسته ره فم

(همان: ۱۱۳)

«انجمن معدلت» به نمایندگان مجلس اشاره دارد.

گر خون خیابانی مظلوم بجوشد سرتاسر ایران کفن سرخ بپوشد

(همان: ۳۳۹)

گفت امر آمده است از تهران که شوی سوی یزد از اصفهان

(همان: ۸۹۶)

ب) سخن‌نمایی (Utterance autonomization)

در این روش، کارگزار اجتماعی با اشاره به گفته‌ها و سخنانش بازنمایی می‌شود. «بر اساس تحقیقات و گزارش‌های مرکز تحقیقات غدد و متابولیسم، سحری نخوردن در ماه مبارک رمضان باعث پرخاشگری و کاهش بینایی می‌شود.» در این جمله، کارگزاران اجتماعی که همان متخصصان مرکز تحقیقاتی هستند، با استفاده از کلمات «تحقیقات» و «گزارش‌ها» بازنمایی شده‌اند.

ج) اندام‌نمایی (Somatization)

در اندام‌نمایی، عینی‌سازی به کمک اشاره به قسمتی از بدن کارگزار اجتماعی انجام می‌گیرد و کارگزار اجتماعی بدین گونه تصویرسازی می‌شود.

ای گوش! دگر حدیث کس مشنو وی دیده! دگر به روی کس منگر
ای دست! عنان مکرمت در کش وی پای! طریق مردمی مسپر

(همان: ۳۴۷)

در این ابیات، شاعر حدیث نفس می‌کند و با اشاره به اجزای بدنش، خود را مخاطب قرار می‌دهد.

د) ابزارنمایی (Instrumentalization)

نوع دیگر عینی‌سازی، «ابزارنمایی» است که در آن کارگزار اجتماعی به کمک وسیله و ابزاری تصویرسازی می‌شود که با آن عمل خود را انجام می‌دهد.

نک بیایید و ببینید که در کاخ رضا توپ ویرانگر روس است که افکنده شرر
(همان: ۲۲۲)

تیر باریده بر ایشان ز دوسو چون باران توپ غریده بر ایشان ز دو سو چون تندر
(همان: ۲۲۴)

در دو بیت بالا ارتش روس با کلماتی چون «تیر» و «توپ» بازنمایی شده است.

انسان‌نمایی (Personalization)

«انسان‌نمایی» می‌تواند به دو صورت کلی انجام پذیرد؛ اگر در بازنمایی کارگزار اجتماعی هویت کارگزار به نوعی مشخص شود، از شیوه‌ی «مشخص‌سازی» (Determination) استفاده شده است و اگر کارگزار به صورت افراد و یا گروه‌های نامشخص و ناشناس تصویرسازی شود، آن گاه نامشخص‌سازی (Indetermination) به کار رفته است. در «نامشخص‌سازی» معمولاً از ضمائر مبهمی چون «بعضی، برخی، عده‌ای، کسی، گروهی و ...» استفاده می‌شود.

نامشخص‌سازی

در دست کسانی است نگهبانی ایران کاصرار نمودند به ویرانی ایران
(همان: ۳۳۸)

جمعی پی ترحیم خیابانی مظلوم اجلاس نمودند نجیبانه درین بوم
(همان: ۳۳۸)

ندرتا گر کسی از حالت مردم، عرضی در بر شاه کند، زود نهندش به کنار
(همان: ۴۷۳)

«مشخص‌سازی» خود انواعی دارد که عبارتند از:

الف) پیوسته‌نمایی (Association) و گسسته‌سازی (Dissociation)

یکی از شیوه‌هایی که در آن کارگزاران اجتماعی می‌توانند به صورت گروهی بازنمایی شوند، «پیوسته‌نمایی» است. هرگاه کارگزاران اجتماعی گروهی را تشکیل دهند که دیدگاهی خاص یا هدفی واحد داشته باشند، در این حالت «پیوسته‌نمایی» به کار رفته است. در «پیوسته‌نمایی» معمولاً از حروف ربط همپایه‌ساز استفاده می‌شود. این گروه ممکن است در دیگر جاهای متن از هم گسسته و تفکیک شود (گسسته‌سازی) و کارگزاران جدا و منفک از هم تصویرسازی شوند.

عامل این دغلی‌ها نه همین نظمیه است وکلا و وزرا نیز نمایند این کار

(همان: ۴۷۳)

وکلا و وزرا، که در این بیت پیوسته‌نمایی شده‌اند، نیز مانند عمال نظمیه در پی حيله‌گری و آزار خلق هستند.

چون جواسیس و ندیمان و وزیران گشتند متحد با هم، شاه از که بجوید اخبار

(همان: ۴۷۳)

جواسیس، ندیمان و وزرا با هم متحد شده‌اند و اخبار جعلی به شاه گزارش می‌کنند.

تا به کی شاه و رفیقانش نمایند ستم چند ملت را دوشند به مانند غنم

(همان: ۵۱۷)

ب) تمایزگذاری (Differentiation)

در روش «تمایزگذاری» بین کارگزار یا گروهی از کارگزاران با افراد و گروه‌های دیگر تمایز قائل می‌شویم؛ یعنی «خودی» را از «غیرخودی» و یا «ما» را از «آن‌ها» تفکیک می‌کنیم.

جرمی است مرا قوی که در این ملک مردم دگرند و مِن دگر سانم

(همان: ۳۲۶)

پانزده روز است تا جایم درین زندان بود بند و زندان کی سزاوار خردمندان بود

(همان: ۵۱۲)

در این بیت شاعر که از گروه خردمندان است، خود را از دیگر مردم متمایز می‌داند.

شاهها تا کی بود بهار گرسنه خائن سیبر و درستکار گرسنه

(همان: ۵۲۳)

شاه خود کیست بدین کبر و انانیت او تا نکو باشد درباره‌ی ما نیت او

(همان: ۱۲۷)

ج) نام‌بری و مقوله‌بندی (Nomination and Categorization)

کارگزاران اجتماعی می‌توانند یا بر اساس هویت خاص و منحصر به فرد خود بازنمایی شوند که در این صورت شیوه‌ی «نام‌بری» به کار گرفته شده است یا بر اساس هویت جمعی‌شان نمایانده شوند؛ هویتی که در ارتباط و کار با دیگران برای کارگزار شکل می‌گیرد؛ یعنی با به کارگیری شیوه‌ی «مقوله‌بندی».

«نام‌بری» معمولاً با به کارگیری اسم خاص انجام می‌شود که می‌تواند رسمی (صرفاً نام خانوادگی)، نیمه رسمی (نام و نام خانوادگی) یا غیررسمی (فقط نام کوچک) باشد. گاهی اوقات برای نامیدن اشخاص از الفاظی چون «فلانی»، «طرف»، «آقا/خانم الف» و نظایر آن استفاده می‌شود که این‌ها هم نام بری قلمداد می‌شوند.

در تمام موارد ذکر شده، نام بری فاقد «عنوان‌دهی» (Titulation) بوده است؛ بدین معنا که هیچ‌گونه لقب، سمت یا عنوانی بر سر اسم نیامده است. نام بری می‌تواند به دو روش عنوان‌دهی شود. نخست «لقب‌دهی» (Honorification) یعنی افزودن لقب، سمت و نظایر آن بر سر اسم کارگزار اجتماعی. القابی چون شاه، شاهنشاه، خسرو، ملک، پادشاه و سرهنگ در شعر بهار به کرات دیده می‌شود. روش دیگر عنوان‌دهی، «پیوندجویی» (Affiliation) نام دارد. در این روش، کارگزار اجتماعی بر اساس روابط سببی و نسبی خود بازنمایی می‌شود؛ مانند عموعلی، عمه مریم، دایی احمد.

نام‌بری

مجلس بر اوفتاد و محمدعلی به روس نزدیک گشت و بس عمل ناصواب کرد
(همان: ۷۵۱)
با چنین حال زار و رسوایی در عذابم ز دست فخرایی (همان: ۸۳۶)
شد مدرس ازین حدیث خبر بهیانی و دوستان دگر (همان: ۸۴۵)
جعل اخبار نمایند ز قول مردم که فلان دشمن شاه است و بود بدکردار
(همان: ۴۷۳)

در ابیات یاد شده، نام حقیقی افراد بدون ذکر القاب آمده است.

لقب‌دهی

نیز رو دادی سرهنگ محمدخان را تا به نام تو برآرد ز سر خلق دمار
(همان: ۴۷۵)

شه ندانست که عیب کار کجاست چون ندانست، گم شد از ره راست
(همان: ۹۳۳)

دارد سرهنگ شهریار محمد لطف به من چون به یار غار محمد
(همان: ۴۹۰)

چنانکه گفته شد، در صورتی که کارگزاران بر اساس هویت جمعی‌شان تصویرسازی شوند، «مقوله‌بندی» صورت گرفته است. مقوله‌بندی خود سه زیر مجموعه دارد که عبارتند از: «کارکردنمایی»، «هویت‌نمایی» و «ارزش‌گذاری».

کارکردنمایی (Functionalization)

در «کارکردنمایی»، کارگزاران اجتماعی بر اساس شغل، وظیفه، مسئولیت و نقشی که دارند، معرفی می‌شوند.

این وزیران کاروان غفلتند ناصرالملک است پیش آهنگشان (همان: ۲۲۱)

و کلا را به مثل دور ششم گیج و بی‌اختیار می‌بینم (همان: ۵۴۴)

بوده‌ام سال‌ها نماینده گوش‌ها از خروشم آکنده

روزنامه نویس بودم من با افاضل جلیس بودم من (همان: ۸۳۶)

هویت‌نمایی (Identification)

هویت‌نمایی خود سه زیر مجموعه دارد؛ اول «طبقه‌بندی» (Classification) که در این حالت، کارگزاران اجتماعی بر اساس دسته‌بندی‌های اصلی بازنمایی می‌شوند که طبق آن‌ها جامعه یا نهادهای اجتماعی، طبقات مردم را از هم متمایز می‌سازند؛ این دسته‌ها عبارتند از: سن، جنس، مذهب، طبقه‌ی اجتماعی، ثروت و دارایی، نژاد، قومیت، زادگاه و نظایر آن. این دسته‌بندی‌ها از فرهنگی به فرهنگ دیگر در طول تاریخ دگرگونی می‌پذیرد. در بحث طبقه‌بندی، مردم بر اساس هویت پایدار و تغییرناپذیر خویش دسته‌بندی می‌شوند.

خانه‌ات یکسره ویران شد ای ایرانی مسکن لشکر بیگانه شد ای ایرانی

(همان: ۱۹۷)

مردم ایران در این بیت بر اساس هویت جمعی خود (ایرانی بودن) نشان داده شده است.

بختیارِی که ثبات قدمی داد بروز نشد او غارت و هستند سرانش سردار

(همان: ۴۷۳)

در این بیت طبقه‌بندی بر اساس قومیت صورت گرفته است.

تا بداند مسلم و گبر و یهود
کاندرین صندوق جز لعنت نبود (همان: ۴۷۲)

مذهب به عنوان عاملی در طبقه‌بندی به کار رفته است.

دوم، «هویت‌نمایی پیوندی» (Relational Identification) است که در این حالت کارگزاران اجتماعی بر اساس نسبت و روابط فردی، شخصی، خویشاوندی، دوستانه و شغلی بازنمایی می‌شوند؛ برای مثال: خواهرم، همکارتان، مادر مریم، استادم و ... رفتی و پور تو شد برین گره خلق بارخدای و امیر و سید و سرور (همان: ۳۸)

منظور از «پور تو» مظفرالدین شاه است.

آل عباس ار چه دیری سید و سلطان بدند
لیک تا بودند دستاویز این و آن بدند

(همان: ۶۸)

نوع سوم، «هویت‌نمایی وضعی» (هویت‌نمایی ظاهری) Physical Identification است که عبارت است از تصویرسازی کارگزاران اجتماعی بر اساس خصوصیات ظاهری و وضع جسمانی‌شان.

از پس یک دو ساعت، آمد پیش
فره‌هی سبزرنگ و کافرکیش
صورتی گرد و چهره‌ای مغرور
دست و پای ز ذوق و صنعت دور

(همان: ۸۳۹)

ریش جوگندمی، سیه رنگی
ریزه چشمی، میانه‌ای لنگی
خنده رویی و گرم گفتاری
کهنه رندی، قدیم عیاری

(همان: ۸۳۷)

ارزش‌گذاری (Appraisal)

نوع سوم مقوله‌بندی «ارزش‌گذاری» است. در این شیوه، کارگزاران اجتماعی با استفاده از اصطلاحات ارزشی و صفات خاصی نمایانده می‌شوند؛ یعنی می‌شود آن‌ها را به صورت خوب یا بد، دوست‌داشتنی یا نفرت‌انگیز، زشت یا زیبا، خائن یا وفادار و ... ارزش‌گذاری کرد. از ارزش‌گذاری منفی، معمولاً بیش از ارزش‌گذاری مثبت استفاده می‌شود.

ارزش‌گذاری منفی

پی دفع این هر دو لشکر برون شد
ز ری لشکر شاه خونریز جانی

(همان: ۷۶۰)

انگلیسان رضای سارق را اندرین ملک شه رضا کردند (همان: ۱۲۳۳)
جان و مال و شرف و عرض اهالی باشد اندرین شهر به دست دو سه تن سردمدار
همگی پشت هم انداز و همه بی وجدان همگی بی وطن و خائن و دزد و طرار
(همان: ۴۷۲)

ارزش‌گذاری مثبت

وز همست عاقلان ملت شد نادره ملت خراسان
ترکان دلیر بافتوت کردند حمایت خراسان
نیز از علمای خوش رویت خوش گشت رویت خراسان
(همان: ۱۵۳)

بود این دلخوشی خلق که اندر مجلس هست یک عده وطن خواه رشید و بیدار
(همان: ۴۷۴)

اشاره دارد به اقلیت دو سه نفری مدرس و یارانش در مجلس ششم.

د) مشخص‌نمایی چند عاملی (Overdetermination)

چهارمین روش مشخص‌نمایی، «مشخص‌نمایی چندعاملی» است. در این روش کارگزاران اجتماعی در آن واحد، در بیش از یک کارکرد اجتماعی مشارکت دارند. این شیوه چهار زیر مجموعه‌ی اصلی دارد که عبارت است از: اول «وارونه‌سازی» (Inversion) که در این حالت، کارگزار در دو نقش تصویرسازی می‌شود که در تقابل و تضاد هم هستند. وارونه‌سازی دو زیر مجموعه دارد: یکی «زمان‌پریشی» (Anachronism) و دیگری «هنجارگریزی» (Deviation). در زمان‌پریشی، کارگزاران اجتماعی و عمالشان به زمان‌ها و حتی مکان‌های مختلفی، مثلاً حال و گذشته، مربوط می‌شوند. از این روش برای گفتن چیزهایی استفاده می‌شود که به طور مستقیم ذکرشدنی نیست؛ مثلاً برای بیان انتقادات سیاسی و اجتماعی که ذکرشان حتماً با سانسور مواجه خواهد شد. از نمونه‌های زمان‌پریشی می‌توان به فیلم «شب‌های برره»، «باغ مظفر» و «قهوه تلخ» اشاره کرد. در این مجموعه‌های طنز، مکان و طرز پوشش و لباس افراد همه نشانگر زمان گذشته است؛ اما بحث و گفت‌وگوی بازیگران همگی مسائل اجتماعی و سیاسی روز را نشان می‌دهد؛ از جمله عمل کردن بینی، درس خواندن در خارج از کشور و نظایر آن. در هنجارگریزی، کارگزاران اجتماعی که در فعالیت‌های مشخصی شرکت دارند، با اشاره به کارگزاران اجتماعی که در حالت معمول

مجاز به شرکت در آن فعالیت‌ها نیستند، تصویرسازی می‌شوند. از این روش در کتاب‌های داستانی و فیلم‌های کودکان بسیار استفاده می‌شود. از نمونه‌های هنجارگریزی می‌توان به قهرمانان قصه‌ها در کلیله و دمنه و مرزبان‌نامه اشاره کرد.

دومین زیرمجموعه‌ی مشخص‌نمایی چند عاملی، «نمادآوری» (Symbolization) است؛ یعنی استفاده از یک کارگزار اجتماعی تخیلی و غیرواقعی در یک کارکرد اجتماعی واقعی. این کارگزار تخیلی می‌تواند شخصیتی اسطوره‌ای و مربوط به گذشته‌های دور باشد.

من آن مرغم که سیمرغم فکندست به خاک افتاده‌ی آن شهسوaram

(همان: ۵۱۹)

مراد از سیمرغ، رضاشاه است که به صورت شخصیتی اسطوره‌ای نشان داده شده است. پشت احرار به پیش سفها خم تا کی ظلم ضحاکان در مملکت جم تا کی؟

(همان: ۵۱۷)

ضحاک، نماد ظلم و ستم است و منظور بهار، عمال و کارگزاران شهربانی می‌باشد. زیرمجموعه‌ی سوم یعنی «دلالت ضمنی» (Connotation)، وقتی اتفاق می‌افتد که از یک مشخص‌نمایی خاص (یک نام بری یا هویت‌نمایی ظاهری) به جای طبقه‌بندی یا کارکردنمایی استفاده شود. در واقع دلالت و معانی ضمنی را آداب، سنن و رسوم فرهنگی مشخص می‌کند؛ برای مثال استفاده از عنوان «نارنجی‌پوش» برای یک فیلم، ضمن اشاره به لباس و وضع ظاهری رفتگران، به طور ضمنی بر حرفه و شغل آن‌ها هم دلالت می‌کند؛ یعنی عبارت نارنجی‌پوش تداعی‌کننده‌ی یک حرفه هم است. به کار بردن لفظ «کاکاسیاه» برای سیاه‌پوستان، علاوه بر اینکه به وضع ظاهری آن‌ها (پوست سیاه) اشاره می‌کند، نظر گوینده را هم درباره‌ی این طبقه از مردم بیان می‌نماید.

چهارمین زیرمجموعه، «تلخیص» (Distillation) است. در این حالت، صفتی خاص از گروهی از افراد انتزاع می‌گردد، سپس به هریک از افراد آن گروه و گروه‌های مشابه اطلاق می‌شود. برای مثال تعبیر «فرشته‌ی نجات» را در مورد مأموران آتش‌نشانی، پزشکان، مددکاران اجتماعی و کارکنان اورژانس به کار می‌بریم؛ چرا که همه‌ی این افراد به صفتی واحد موصوف هستند که همان «نجات‌دهنده‌ی جان انسان‌ها» می‌باشد. (یارمحمدی، ۱۳۸۵: ۷۱)

۳. ۱. ۲. ۳. تعیین ماهیت (Type Allocation)

مشخص کردن مرجع عام یا خاص، روش مهم دیگری در تصویرسازی کارگزاران اجتماعی است؛ کارگزاران اجتماعی می‌توانند به صورت گروه یا به صورت افرادی با هویت مشخص و معین بازنمایی شوند. اگر کارگزاران اجتماعی به صورت گروهی تصویرسازی شوند، «عام‌نگری» (Generalization) به کار رفته است و اگر به صورت افرادی با هویت مستقل «خاص‌نگری» (Specification). در جمله‌ی «وزیر بهداشت، درمان و خدمات پزشکی گفت که نوجوانان بیش از هر گروه دیگری در معرض بیماری ایدز قرار دارند»، وزیر بهداشت خاص‌نگری شده است و نوجوانان عام‌نگری. خاص‌نگری خود به دو دسته‌ی کلی تقسیم می‌شود: «فردی‌سازی» و «همگون‌سازی». در فردی‌سازی (Individualization) کارگزاران اجتماعی به صورت افرادی مستقل تصویرسازی می‌شوند (همانند نام‌بری) و در همگون‌سازی (Assimilation) به صورت یک گروه با خصوصیات و یا اهداف مشابه. همگون‌سازی هم شامل دو زیر مجموعه می‌شود؛ اگر کارگزاران اجتماعی به صورت عدد، رقم و آمار نشان داده شوند، «گروه‌بندی» (Aggregation) در کار است و اگر نه، اشتراکی‌سازی (Collectivization). باید به این نکته توجه کرد که در تحلیل گفتمان انتقادی «فردی‌سازی» اهمیت زیادی دارد. (ون لیون، ۲۰۰۸)

فردی‌سازی

ناصرالملک از فرنگستان چه یافت جز تقلب‌های دزدان فرنگ

(همان: ۲۱۹)

ستاده تنها ستارخان و باقرخان به سان رستم دستان و طوس بن نوذر

(همان: ۱۶۶)

در ابیات بالا، کارگزاران اجتماعی به صورت افرادی مستقل و با هویت منحصر به فرد به تصویر کشیده شده‌اند.

گروه‌بندی

جان و مال و شرف و عرض اهالی باشد اندرین شهر به دست دو سه تن سردمدار

(همان: ۴۷۲)

سی چهل بی شرف و مغرض و دزدند که هست کارشان دوری خدام وطن از دربار
(همان: ۴۷۲)

اشتراکی سازی

در سایه‌ی قانون سر قانون‌طلبان را از تن ببریدند و نکردند تحاشی
(همان: ۳۳۹)

بریگاد قزاق خونخواره کرد به سرباز سیلاخوری همعنانی
(همان: ۷۶۰)

این وکیلان که به فرمان رضاخان بودند همه از عهد ششم جالس این مجلس سور
(همان: ۷۸۱)

۴. بحث

همان‌طور که پیش‌تر ذکر شد، از میان مؤلفه‌های جامعه‌شناختی-معنایی برخی صریح و روشن است (explicit) و برخی دیگر پوشیده (implicit). مؤلفه‌ی حذف، جزء مؤلفه‌های پوشیده است؛ دیگر مؤلفه‌های پوشیده عبارتند از: منفعل‌سازی، غیرانسان‌نمایی، نامشخص‌سازی، مشخص‌نمایی چند عاملی، عام‌نگری و مقوله‌بندی. فعال‌سازی، نام‌بری، فردی‌سازی، پیوسته‌نمایی، اشتراکی‌سازی، گروه‌بندی و تمایزگذاری جزء مؤلفه‌های صریح است.

نوع ارجاع به کارگزاران اجتماعی													
صریح					پوشیده								
تمایزگذاری	پیوسته‌نمایی	گروه‌بندی	اشتراکی‌سازی	فردی‌سازی	نام‌بری	فعال‌سازی	مقوله‌بندی	عام‌نگری	مشخص‌نمایی	نامشخص‌سازی	غیرانسان‌نمایی	منفعل‌سازی	حذف

در جدول زیر تعداد رخ داد و درصد هریک از مؤلفه‌های گفتمان مدار مشخص شده است.

مؤلفه‌ها			تعداد رخداد	درصد	مؤلفه‌ها			تعداد رخداد	درصد	
حذف					تعیین نقش					
کتمان			۲۲	۱/۷۵	پس زمینه‌سازی			۲	۰/۱۵	
تعیین نقش			موضوع‌سازی			۹۳	۷/۱۷	فرد انسان‌نمایی		
			ذی نفع‌سازی			۲	۰/۱۵			
			فعال‌سازی			۱۵۱	۱۱/۶۴			
انتزاعی‌سازی			۴۳	۳/۳۱	فرد انسان‌نمایی			فرد انسان‌نمایی		
مکان‌نمایی			۲۲	۱/۷۰						
سخن‌نمایی			۰	۰						
اندام‌نمایی			۲	۰/۱۵	انسان‌نمایی			انسان‌نمایی		
ابزارنمایی			۱۰	۰/۷۷						
نامشخص‌سازی			۱۲	۰/۹۲						
پیوسته‌نمایی			۳۳	۲/۵۴	انسان‌نمایی			انسان‌نمایی		
تمایزگذاری			۲۰	۱/۵۴						
نام بری			۱۵۳	۱۱/۷						
لقب دهی			۹۴	۷/۲۴	انسان‌نمایی			انسان‌نمایی		
پیوند جویی			۰	۰						

طبق محاسبات، ۳۸/۷۰٪ از کل ارجاعات، پوشیده است و ۶۱/۲۹٪ ارجاعات به صورت صریح به کار رفته است. با توجه به این موضوع که بهار مؤلفه‌ی ارزش‌گذاری را در اکثر جاها همراه با نام بری و فردی‌سازی به کار برده یا به گونه‌ای آن را استفاده کرده است که مرجع آن مشخص باشد (یعنی شخص، قابل شناسایی باشد)، در این جا می‌توان ارزش‌گذاری را هم به نوعی ارجاع صریح به حساب آورد. در این صورت درصد ارجاعات پوشیده ۲۳/۵۹٪ خواهد بود و درصد ارجاعات صریح ۷۶/۴۰٪.

در ابیات توصیف شده، در مجموع ۱۲۹۷ بار از مؤلفه‌های جامعه‌شناختی - معنایی استفاده شده است. نام‌بری و فردی‌سازی به عنوان صریح‌ترین مؤلفه، هر کدام ۱۵۳ مرتبه و جمعاً ۳۰۶ مرتبه تکرار شده است. با افزودن لقب‌دهی، از زیر مجموعه‌های نام‌بری، با ۹۴ بار تکرار، این رقم به ۴۰۰ می‌رسد. این مؤلفه‌ها در مجموع ۳۰/۸۴٪ از کل ارجاعات را شامل می‌شود. این رقم نشان می‌دهد که نام بری، فردی‌سازی و لقب‌دهی با بیشترین بسامد در مرتبه‌ی اول قرار دارد؛ بدین معنا که بهار

برای بازنمایی کارگزاران اجتماعی، صریح‌ترین روش را به کار برده است. منظور از لقب دهی، به کار بردن الفاظی مثل شاه، ملک، شاهنشاه، خسرو و غیره است که در هر زمان بهار با به کار بردن آن‌ها، به صورت صریح و روشن پادشاه وقت را خطاب قرار داده است. ارزش‌گذاری با ۱۹۶ بار تکرار، در رتبه‌ی دوم قرار دارد. از این میزان، ۷۵ ارزش‌گذاری به صورت مثبت به کار رفته است و ۱۲۱ ارزش‌گذاری به صورت منفی. بهار با استفاده از مؤلفه‌ی ارزش‌گذاری و با بهره‌گیری از کلمات و عبارات خاص، نظر و عقیده‌ی خود را که همان آزادی خواهی، ستم‌ستیزی و وطن‌دوستی است، به صراحت بیان می‌کند. وی هرگاه از مشروطه‌طلبان و سران مشروطه سخن به میان می‌آورد، آنان را با صفات مثبتی چون «مجاهدان بهروز»، «مجاهدین دانا»، «وطن‌دوستان»، «احرار»، «قانون‌طلبان» و «تجددطلبان» توصیف می‌کند. وی برای اشاره به مخالفان مشروطه، عمال نظمیه و شهرداری، پادشاهان ستم‌پیشه و دشمنان ملت و آزادی، صفاتی چون «بی‌مایگان»، «بی‌پایگان»، «بدخواه دین»، «اشرار»، «خائن دین» و «بدخواه ما» را به کار می‌برد تا نفرت از آن‌ها در دل مردم جای کند.

اشتراکی‌سازی با ۱۸۶ مرتبه رخ داد، در ردیف سوم قرار دارد. بهار زمانی از این مؤلفه بهره می‌برد که قصد دارد گروه مشخصی از افراد را در کنار هم به تصویر بکشد که هدف واحدی دارند. از نمونه‌های اشتراکی‌سازی می‌توان به نمونه‌هایی همچون «مستبدین»، «مشروطه‌خواهان»، «ملت ایران»، «عمال شهرداری» و «مردم قوچان و خراسان» اشاره کرد. بسامد فعال‌سازی ۱۵۱ عدد است. در طول زندگی بهار، مظفرالدین شاه، محمدعلی شاه و احمدشاه از خاندان قاجار و رضاشاه و محمدرضا شاه از خاندان پهلوی بر ایران حکمرانی کردند. بهار این پادشاهان را به طور صریح و با استفاده از القابی چون پادشاه، شاه، ملک، خسرو و شاهنشاه خطاب قرار داده است. در زیر، مؤلفه‌های به کار رفته برای هریک از پادشاهان و بسامد آن‌ها مشخص شده است.

مظفرالدین شاه	لقب‌دهی	ارزش‌گذاری مثبت	فعال‌سازی	نام بری و فردی‌سازی
	۲۱	۱۰	۶	۵

محمدعلی شاه	لقب‌دهی	ارزش‌گذاری مثبت	ارزش‌گذاری منفی	فعال‌سازی	نام بری و فردی‌سازی
	۳۰	۳	۶	۷	۳

۱۳۲ _____ مجله‌ی شعرپژوهی (بوستان ادب) / سال ۷، شماره‌ی ۲، تابستان ۱۳۹۴ (پیاپی ۲۴)

احمدشاه	لقب‌دهی	ارزش‌گذاری مثبت	ارزش‌گذاری منفی	نام بری و فردی‌سازی
	۱۳	۴	۲	۴

رضاشاه	لقب‌دهی	نام بری و فردی‌سازی	فعال‌نمایی	ارزش‌گذاری منفی	کارکردنمایی
	۲۰	۵	۸	۳	۲

محمد رضا شاه	لقب‌دهی
	۵

سران مشروطه از جمله ستارخان، باقرخان، سپهدار اعظم، سردار اسعد بختیاری، ضرغام و صمصام همگی با به کارگیری مؤلفه‌های نام بری و فردی‌سازی، ارزش‌گذاری مثبت و فعال‌سازی به تصویر کشیده شده‌اند. موضوع‌سازی با ۹۳ بار تکرار یعنی ۷/۱۷٪، پرکاربردترین مؤلفه از بین مؤلفه‌های پوشیده است. کارکردنمایی با ۵۶ بار رخداد، ۴/۳۱٪، در رتبه‌ی دوم قرار دارد. بهار در اغلب جاهایی که از این مؤلفه استفاده کرده است، وکیلان و وزیران را خطاب قرار داده تا به نوعی مسئولیتشان را در قبال مردم متذکر شود.

مؤلفه‌ی انتزاعی‌سازی در کل ۴۳ بار تکرار شده است که در بین مؤلفه‌های پوشیده، در مرتبه‌ی سوم قرار دارد. از نمونه‌های انتزاعی‌سازی می‌توان به عباراتی مثل «غرنده شیر»، «اهرمان»، «مهادیو»، «دیوچگان»، «دیوان سلیمان صورت» و «روپاه پیر» اشاره کرد. این عبارات برای اشاره به مستبدین و دشمنان ایران به کار رفته است. دیگر مؤلفه‌های پوشیده‌ی پرکاربرد عبارتند از: مکان‌نمایی، کتمان و طبقه‌بندی؛ اما درصد آن‌ها به نسبت کل مؤلفه‌ها بسیار اندک است، برای مثال کتمان و مکان‌نمایی هر کدام تنها ۲۲ بار تکرار شده‌اند یعنی ۱/۷۵٪ کل مؤلفه‌ها. بنابراین اگر مؤلفه‌های پوشیده را به صورت مجزا در نظر بگیریم، درصد بسیار اندکی از کل مؤلفه‌ها را شامل می‌شوند که این خود دلیلی است بر صراحت بهار در بازنمایی کارگزاران اجتماعی و تأکیدی بر این موضوع که اوضاع سیاسی وقت و روزگار پرآشوب سال‌های ۱۲۸۳ تا ۱۳۳۰، بهار را از بیان حقیقت باز نداشته است و وی همچنان به روشن‌گری خود ادامه داده است.

۵. نتیجه‌گیری

بهار در طول زندگی خود شاهد وقایعی چون انقلاب مشروطه، استبداد صغیر، کودتای ۱۲۹۹، دخالت‌های دول روس و انگلیس در ایران، دوران خفقان رضاشاهی، جنگ

تصویرسازی کارگزاران اجتماعی در اشعار سیاسی ملک الشعرا بهار... _____ ۱۳۳

بین‌المللی و ده‌ها وقایع دیگر بوده است. وی به خاطر اینکه صریح و بی‌پرده سخن می‌گفته ظلم حکام و اعمال مستبدانه‌شان را عامل فقر و بدبختی مردم می‌دانسته، بارها و در دوره‌های مختلف از جمله سال‌های ۱۲۹۰، ۱۲۹۵ و ۱۳۱۲، به شهرهای مختلفی چون بجنورد و اصفهان تبعید می‌شود و بارها نیز طعم زندان را می‌چشد.

با مطالعه و تحلیل اشعار بهار، به این نکته پی می‌بریم که ظلم پادشاهان جورپیشه و خفقان سیاسی و فضای بسته‌ی آن روزگار هیچ‌گاه باعث نشد که بهار از هدف والای خود دست بردارد که همان آگاهی مردم و برقراری عدالت و آزادی در جامعه است، و وی همچنان با سلاح قلم و زبان به مبارزات خود ادامه داده است. گواه این مدعا، بسامد پرشمار به کارگیری مؤلفه‌های نام‌بری، فردی‌سازی و لقب‌دهی است. طبق نظریه‌ی ون لیوون، کاربرد این مؤلفه‌ها صریح‌ترین روش تصویرسازی کارگزاران اجتماعی می‌باشد.

بهار با کمک مؤلفه‌های گفتمان‌مدار، نظر، عقیده و ایدئولوژی خود را که همان وطن‌پرستی، عدالت‌طلبی و آزادی‌خواهی بوده است را به خوانندگان اشعارش القاء می‌کند و آنها را به حمایت از مشروطه و مقاومت در برابر ظلم شاه و عمال مستبدش دعوت می‌کند. نکته‌ی در خور توجه این است که بهار پادشاهان زمان خویش را به صورت یکسان و با به کارگیری مؤلفه‌های لقب‌دهی، ارزش‌گذاری و فعال‌سازی به تصویر کشیده است و گذر زمان هیچ تغییری در ستم‌ستیزی و آزادی‌خواهی وی به وجود نیاورده است.

فهرست منابع

بهار، محمدتقی. (۱۳۶۸). *دیوان اشعار*. تهران: توس.
پوشنه، آتنا و بابک معین، مرتضی. (۱۳۹۲). «تحلیل گفتمان انتقادی در اثری از ابراهیم گلستان با استفاده از مؤلفه‌های جامعه‌شناختی - معنایی گفتمان‌مدار با توجه به بازنمایی کارگزاران اجتماعی». *فصلنامه‌ی جستارهای زبانی*، شماره‌ی ۲، صص ۱-۲۵.

حق‌پرست، لیلا. (۱۳۹۱). «شیوه‌های تصویرسازی کارگزاران اجتماعی در داستان بهمن از شاهنامه و بهمن‌نامه (بر اساس مؤلفه‌های جامعه‌شناختی - معنایی در تحلیل گفتمان)». *فصلنامه‌ی پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی*، شماره‌ی ۲، صص ۴۵-۶۲.

حیدری تبریزی، حسن و رزمجو، سیدآیت‌اله. (۱۳۸۴). «شیوه‌های تصویرسازی کارگزاران اجتماعی در گفتمان فارسی: تحلیل توجیهی گفتمان با عنایت به مؤلفه‌های جامعه‌شناختی - معنایی». نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز، شماره ۱۹۵، صص ۱-۳۱.

دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۳). لغت‌نامه. تهران: دانشگاه تهران.
رستگار، مریم. (۱۳۹۰). چگونگی بازنمایی شخصیت زن در آثار رمان‌نویسان زن ایرانی (تحلیلی از منظر گفتمان‌شناسی انتقادی). پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات فارس.

صاحبی، سیامک و فلاحی، محمدهادی و توکلی، نسترن. (۱۳۸۹). «بررسی و نقد روایی گلستان بر اساس نظریه تحلیل انتقادی گفتمان». فصلنامه پژوهش زبان و ادبیات فارسی، شماره ۱۶، صص ۱۰۹-۱۳۳.

فلاحی، محمدهادی. (۱۳۸۸). «شیوه‌های بازنمایی کارگزاران اجتماعی در نشریات دوره‌ی مشروطه از منظر گفتمان‌شناسی انتقادی با عنایت به مؤلفه‌های گفتمان مدار جامعه‌شناختی - معنایی». مجله‌ی تخصصی زبان‌شناختی و گویش‌های خراسان، دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی مشهد، شماره ۱، صص ۵۱-۷۳.
محسنی، ناصر. (۱۳۸۹). «بازتاب زیبایی‌شناختی و جامعه‌شناختی آیات و احادیث در شعر بهار». فصلنامه ادبیات و هنر دینی، شماره اول، صص ۱۶۱-۱۸۰.

یارمحمدی، لطف‌اله و یمینی، مرتضی و قنبری، لیلا. (۱۳۸۹). «مقایسه‌ی تحلیل انتقادی گفتمان داستان‌های کوتاه معاصر بزرگسالان و داستان‌های کوتاه معاصر نوجوانان». مجله مطالعات ادبیات کودک، شماره اول، صص ۱۴۳-۱۶۶.

یارمحمدی، لطف‌اله. (۱۳۸۵). ارتباطات از منظر گفتمان‌شناسی انتقادی. تهران: هرمس.
_____ (۱۳۸۳). گفتمان‌شناسی رایج و انتقادی. تهران: هرمس.

- Paltridge, B. (2006). *Discourse Analysis*. London: Continuum.
Van leeuwen, T. (2008). *Discourse and Practice New tools for Critical Discourse Analysis*. New York: Oxford University Press.
Simpson, P., Mayer, A. (2010). *Language and power*. London: Routledge.
Wodak, R., Meyer, M. (2001). *Methods of Critical Discourse Analysis*. London: SAGE Publisher.